



بِسْمِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

حاج یدالله



پرده نشین چی چستِ مقدّس

با

پیشگفتاری از عالم خیال

مؤلف : دکتر بهمن حکیمان

پرده نشینان عالم قدسی

عشق در پرده می‌نوازد ساز	کو عاشقی که بشنود آواز؟
هر نفس، پرده‌ای دگر سازد	هر زمان، زخمه‌ای کند آغاز
همه عالم، صدای نغمه اوست	که شنید این چنین صدای دراز؟
راز او از جهان برون افتاد	خود صدا، کی نگاه دارد راز؟

" جمال العارفین فخرالدین عراقی، لمعات، ص: ۴۵ "

ارومیه، مهمان‌پذیرِ مردی از جنسِ ملکوت بود.

در این کتاب، زندگی و حالات توحیدی مردی از ره پویندگان سلوکی اُویس قرنی را می‌خوانید که از شرق چی چست مقدس طلوع نموده و همانند شمس پنهانی در مرکز چی چست، تابان است و می‌درخشد و اکنون بسان مرواریدی پنهان در صدف حصن و حصار فرشتگان به بندگان خدا، در حال نوردهی است. همانا نام او، حاج یدالله آشنای ناشناخته اورموی ها بود.

او در یک نگاه از مصادیق این آیه ۴۸ سوره طور است:

وَاضْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ

این بزرگ‌مرد در مورخه ۱۴۰۱/۰۱/۱۰ با رحلت خویشان برای ابد به‌سوی بارگاه کبریایی حضرت حق تعالی عروج نمود و در باغ رضوان ارومیه جسم زمینی‌اش به خاک سپرده شد. روحش قرین انوار جمال الهیه باد.

آنچه در این کتاب می‌خوانید اشاراتی به مکاشفات عبد صالح خدا یعنی حاج یدالله و تبیین برخی از آن‌ها است و از آنجایی که این مکاشفات در لوح خیال نمایان می‌شوند لذا جهت مزید اطلاع خوانندگان محترم موضوع پیشگفتاری از عالم خیال تقدیم می‌شود و چگونگی فرایند علمی این مکاشفات و موضوعات در حدّ توان بیان می‌گردد. یقیناً مطالب این کتاب خالی از نقص نیست لذا نقد و پیشنهادهای منطقی خوانندگان محترم را به‌عنوان هدیه از شما بزرگواران خواهیم پذیرفت. دکتر حکیمان

تقدیم خالصانه به: بندگان گمنام الهی که

در حال معنوی (و سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا) قرار می گیرند.

" فَلَمَّا أَنْفَجَرْتَ تِلْكَ الْكَلِمَاتِ تَشَعَّشَعَتْ أُنْوَارُهَا ... وَأَسْرَارُهَا

و جَعَلْتَ تَمُوجَ ... مِنْ الْأَزَلِ ... إِلَى الْآبِدِ ..."

شلبی، محمود؛ کؤؤسُ الحُبِّ الالهی؛ دارالمعرفه بیروت، ۱۹۷۵ الطبعة الاولى،

تشکر:

از آقای جواد صدقی ایرانی اعلام نمایم. ایشان فرزند مرحوم حاج اصغر نخجوانی فرزند شادروان حاج حسن نخجوانی نویسنده محترم مجله *ایران شناسی* دو در معرفی شخصیت کیومرث و مقدس بودن دریای چی چست، ارومیه، برده سو، مارمیشو، کوه سئین و هفت کشور اوستایی، زادگاه پیامبرتوحید حضرت آشو زرتشت مطالب ارزنده ای را به نگارش درآورده و پانزده سال با زحمات زیاد، تحقیق نموده اند.

از آقای حسین برزگر نویسنده کتاب *دریاچه رضائیه چی چست در آبان سال ۱۳۴۹* توسط ناشر موسسه مطبوعاتی تمدن و کتابخانه مؤمن زاده ارومیه.

از آقای محمدرضا پناهی آذر که رابط بنده با بزرگ مردالهی حاج یدالله بود.

از آقای نصرت رجب زاده ساعی، کتب تاریخ ارومیه را در اختیارم قرار دادند.

تشکر صمیمانه از جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا کیومرزی فرزند ارشد مرحوم حاج یدالله که یادنامه مرحوم را به بنده تحویل دادند. البته توصیه های ایشان در چاپ بعدی لحاظ خواهد شد.

"علامه والد - فرمودند:

آقا سید محمدصادق! بعضی دوستان که در طریق توحید قدم می گذارند، گاهی بیست یا سی سال است در این راه اند اما استفاده نمی برند و تکان نمی خورند. (عالم مثال خودشان را طی نمی کنند، چه برسد به عالم مثال کلی سپس عالم عقل)... طلب خود را تقویت نکرده، موانع را از سر راه خود بر نمی دارند و مراقبه ندارند... و سلوک را

به مثابه دیگر امور، سرسری می گیرند" - کتاب نور مجرد، ج ۱، ص ۵۵۱

فهرست کلی

بخش اول: پیشگفتاری از عالم خیال..... صفحه ۱۳

- فصل اول - مقدمه و مفهوم شناسی خیال. صفحه ۱۵
- فصل دوم - حقایق از عالم خیال. صفحه ۶۵

بخش دوم: پرده‌نشین چی چست مقدس..... صفحه ۸۷

- فصل اول - چی چست شناسی و تبیین هدایت باطنی. صفحه ۸۹
- فصل دوم - برگ‌هایی از صحیفه ملکوت. صفحه ۱۲۳

پی‌نوشت‌ها

- پی‌نوشت (۱) چی چست، ارومیه، کوه سئین، مارمیشو ۱۹۰
- پی‌نوشت (۲) کیومرس ۱۹۳
- پی‌نوشت (۳) کشورهای باستانی چی چست ۱۹۶
- پی‌نوشت (۴) اسب بالدار..... ۱۹۸

فهرست تفصیلی

Contents

۶.....	فهرست کلی
۷.....	فهرست تفصیلی
۱۳.....	بخش اول
۱۳.....	پیشگفتاری از عالم خیال
۱۵.....	فصل اول
۱۵.....	مقدمه و مفهوم شناسی خیال
۱۷.....	مقدمه
۱۸.....	مفهوم شناسی خیال
۱۹.....	عالم خیال، واسطه بین عالم غیب و عالم شهادت
۲۱.....	ضرورت عبور از عالم خیال (مثال)
۲۲.....	نفی خواطر یک مهارت است نه دانش
۲۲.....	نتیجه نفی خواطر، رسیدن به نفس مطمئنه
۲۴.....	معنای تمثّل و ظهور حقایق غیرمادی
۲۶.....	توهم یا پندار
۲۹.....	اجنه در کمین قوه خیال
۳۰.....	قالب‌های پوششی انسان
۳۸.....	خیال؛ مکان و پرده صحنه اندازیی علم خداست
۳۹.....	کالبد‌های متنوع در سیر حرکتی انسان
۴۱.....	عالم خیال از دیدگاه‌های مختلف

- قابلیت خلاق در قوه خیال ۴۱
- تحرکات درون ذهن و عالم خیال، خارج از دنیای فیزیک است: ۴۶
- تفاوت موجود بیرونی و ذهنی ۴۷
- از چهار طریق می توان وارد عوالم خیال شد ۴۹
- رؤیا سازی؛ رؤیا بینی؛ رؤیا روی ۴۹
- شاخص ترین مشخصه واژه دین، باور به ندیدنی هاست. ۵۲
- فرق کشف حسی و صوری ۵۲
- طبقه بندی تجربه های دینی ۵۵
- چند نمونه از مفاهیم تجربه دینی ۵۶
- مشکلات مربوط به گزارش و توصیف حالات انفسی و تجربیات عرفانی ... ۵۷
- موانع و محدودیت های گزارش تجربه دینی ۵۸
- تجرد خیال ۵۹
- وهم انسانی، جایگاه استقرار فضای مجازی ۶۲
- کشف عقلی، بار دیگر برتر آمد از شهود عینی ۶۳
- چرائی فرایند برتریت ادراک معانی از شهود مکاشفات صوری ۶۴
- فصل دوم** ۶۵
- حقایق از عالم خیال** ۶۵
- برحذر باش از شعبده بازی و بازیچه قرارداد نت توسط خیالت ۶۷
- بقای موجودات خیالی ذهنی به دست توسست، ۶۹
- رمزگشایی عظیم ؛ ۷۰
- تصاویر تخیلی و توهمی در فرایند اختلال ادراکی ۷۱

انتقال بخشی از حقیقت انسان به طبقات مختلف عالم خیال.....	۷۲
حقیقتی از قوه خیال.....	۷۶
نفس سایه در پرده طبیعت.....	۷۸
کیفیت اختراعات متنوع برزخی.....	۸۰
ضمیر ناخودآگاه در عالم برزخ؛.....	۸۳
بهشت و جهنم در فرهنگ دینی.....	۸۴
بخش دوم	۸۷
پرده‌نشین چی چست مقدس.....	۸۷
فصل اول	۸۹
چی چست شناسی و تبیین هدایت باطنی.....	۸۹
مقدمه.....	۹۱
پرده‌نشین :.....	۹۲
چی چست مقدس:.....	۹۲
هدایت باطنی:.....	۹۹
پرده‌نشین گمنام:.....	۹۹
چند نکته مهم :.....	۱۰۰
تنوع افراد از نظر سلوک.....	۱۰۱
ضرورت سلوک برای همگان.....	۱۰۲
گفتاری در حیات طیبه؛ ضرورت و آثار آن.....	۱۰۲
حیات طیبه، فرار به سوی خدا.....	۱۰۴
رمز و راز ناملایمات زندگی.....	۱۰۶

- هشدار بزرگ و ضروری در فرایند بصیرت یافتن سالکین ۱۱۳
- مراتب بسترهای اعمال انسانی ۱۱۸
- در مناظر شهود ۱۱۹
- فصل دوم** ۱۲۳
- برگ‌هایی از صحیفه ملکوت** ۱۲۳
- پیش نیاز آموزه شناسی از مکاشفات مرحوم حاج یدالله (تعالی الله مقامه) . ۱۲۵
- به‌زانو نشسته‌ام در آستانه بزرگ‌مرد خدا ۱۲۸
- تبیین:** خلقت آدم علیه السلام ۱۲۹
- تبیین:** حضرت علی بن موسی‌الرضا (علیه‌السلام) ۱۳۱
- تبیین:** حکمت شکرگزاری ۱۳۲
- تبیین:** وظیفه سالکین الی الله ۱۴۵
- تبیین:** همه موجودات حتی بی جان ها نیز جان دارند و ادراک ۱۴۶
- تبیین:** قدرت تصویر سازی نفس انسانی ۱۵۰
- تبیین:** هرس یا تخریب ۱۵۴
- تبیین:** توفدگی تجلی ذاتی در ثروتمندان و فقراء ۱۶۰
- تبیین:** چگونه صدقه و دعا موجب تغییر سرنوشت می‌شود؟ ۱۶۱
- تبیین:** تمثّل سوره یس ۱۶۶
- تبیین:** استغفار در نبی اکرم و ائمه علیهم السلام ۱۶۶
- تبیین:** خروج سالک از مکان و زمان در فنانی ذاتی ۱۶۹
- تبیین:** در شریعت هر نبی الله، مظاهر اسم متکلم و سمیع، ظهوری خاص یابد: ۱۹۰
- پی‌نوشت‌ها** ۱۹۳

- پی‌نوشت (۱) چی چست، ارومیه، کوه سئین، مارمیشو ۱۹۳
- پی‌نوشت (۲) کشورهای تحت امر کیومرس ۱۹۶
- پی‌نوشت (۳) کشورهای باستانی چی چست ۱۹۹
- پی‌نوشت (۴) اسب بالدار ۲۰۱
- منابع و مراجع ۲۰۳

thbook.ir

tnbook.ir

بخش اول

پیشگفتاری از عالم خیال

- فصل اول: مقدمه و مفهوم شناسی خیال
- فصل دوم: حقایق از عالم خیال

tnbook.ir

فصل اول

مقدمه و مفهوم شناسی خیال

tnbook.ir

مقدمه

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ افْتَرَبَ أَجْلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ.^۱

نظاره کردن به ملکوت آسمان‌ها و زمین و همه موجودات از مطالبات قرآنی برای مؤمنین است و این امر بایستی قبل از مرگ رُخ بدهد چون بعد از مرگ همگی در این عالم حضور خواهند داشت.

عالم ملکوت بین عالم طبیعت ماده و عقل مجرد است.

یکی از مهم‌ترین مسائل حوزه فلسفه و عرفان اسلامی مسئله عالم مثال (خیال) است، زیرا عالم خیال در عرفان شاهراه کشف و شهود و در فلسفه حقایق میان عالم مجردات و عالم ناسوت می‌باشد. مرتبه‌ی خیال پایین‌تر از مرتبه عقل و فوق مرتبه حس است اما گستره‌ای وسیع‌تر از گستره عقل و حسن دارد زیرا عقل به دلیل اینکه مجرد محض است هرگز ماده را به خود راه نمی‌دهد و حس به علت مادی بودنش قدرت پذیرش عقل را ندارد و خیال است. که عقل و حس را یکجا جمع می‌کند.^۲

جایگاه عالم مثال (خیال) در عرفان اسلامی

اعتقاد به عالم مثال یا وجود عالم واسط بین عالم محسوس و عالم معقول در ایران قبل از اسلام آغاز شده و به دوره اسلامی رسیده است و توسط حکمای نامی ایران از جمله شیخ شهاب‌الدین سهروردی صدرالمتألهین شیرازی ملاهادی سبزواری و.... پروراند شده است. و عرفایی چون ابن عربی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، سید حیدر آملی، شیخ محمود شبستری لاهیجی، عبدالرحمن جامی میرفندرسکی و... نیز بر لزوم وجود این عالم در سیر و سلوک عرفانی صحنه گذاشته‌اند.^۳

لازم است ابتدا به مفهوم شناسی واژه خیال اشاراتی بشود.

^۱ - اعراف: ۱۸۵

^۲ - دین محمدی، علی: عالم خیال در عرفان اسلامی، مقاله، فصلنامه عرفان اسلامی، شماره ۳۴

^۳ - همان

مفهوم شناسی خیال

همه واژه خیال را شنیده‌اند و در محاورات خود از این کلمه استفاده می‌کنند. به‌راستی

معنای خیال چیست؟

- صورتی که در خواب یا بیداری به ذهن آید؛ پندار؛ گمان؛ وهم.

- نیرویی که به‌وسیله آن صورت‌هایی که در زمانی دیده‌شده در ذهن تجدید و احیا

می‌شود.

مترادف:

توهم، گمان، وهم ۲- پندار، پنداشت، تخیل ۳- اندیشه، تصور، تفکر، فکر ۴- مخیله ۵-

نقشه ۶- سودا، وسواس ۷- تصویر، تندیس، شیخ ۸- قصد، آهنگ، عزم، تصمیم

در عربی: خیال، تصور، التوهم، ملکه الخیال، وهم، ثمرة من ثمرات الخیال، معتقد تقلیدی.^۱

معنی انگلیسی:^۲

fancy, ideal, imagination, nonentity, notion, phantasm, phantom, vision, hallucination, thought, reflection, intention.

خیال پنجره ای به اقالیم روح

با بهره گیری از قوه تخیل می‌توانیم به هر منطقه و اقلیمی از عالم مجردات در و پنجره

ای گشوده و حتی به آن اقالیم پای بگذاریم. خیال، ما را به دوردست‌های اقالیم الهی رهسپار

نموده و مقدمه ای می‌شود برای پرواز به سرزمین‌های بس دوردست در اقالیم الهی. ما به

هر آنچه که خیال می‌کنیم می‌توانیم دست یابیم و آنچه را که در ذهن می‌پروانیم با بهره

گیری از قدرت روح به عینیت و ظهور برسانیم.^۳

^۱ - <https://lamtakam.com/dictionaries>

^۲ - <https://abadis.ir>

^۳ - <http://masnavi-arvah.ir/1396/05/30/post-371> / مثنوی ارواح

عالم خیال، واسطه بین عالم غیب و عالم شهادت

مفاهیم غیبی مجرده ناگهان به موجودات مادی تبدیل نمی‌شوند. بلکه حالت سایه‌روشن است. لذا یک واسطه‌ای لازم است بین غیب مطلق و ماده صرف. این واسطه را عالم خیال و قوه خیال و تمثلات خیالی و مثالی گویند.

تمام موجودات طبیعی و حتی صنعت انسانی نیز ابتدا در این عالم، به وجود می‌آیند و نمود پیدا کرده و اندازه‌گیری شده و در ليله‌القدر تدوین می‌گردد و سپس در عالم ماده فرود آمده و در طبیعت ظاهر می‌شود.

همه هنرمندان، صنعتگران، شعرا، نت‌نویسان، انبیاء، اولیاء، و حتی فرشتگان، ارواح، اجنه، شیاطین، آرکون‌ها و جادوگران از قوه عالم خیال می‌توانند بهره‌مند شوند. عالم خیال در فرهنگ‌های مختلف، اسامی دیگری دارد. مانند: خیال؛ مثال؛ برزخ؛ ملکوت؛ هور قلیا و ...

" واسطه بین عالم غیب و عالم شهادت فقط می‌تواند عالم خیال باشد. زیرا آن مرتبه‌ای از هستی و آن مرتبه‌ای از آگاهی که مدلول خیال است. همان مرتبه‌ای است که در آن موجودات مجرد عالم غیب، متجسم می‌شوند." ^۱ و ^۲

شبیح

شبیح می‌تواند خطای چشم یا گوش با همکاری مغز باشند. اشباح زائیده خیال هستند و می‌توانند به قدری طبیعی تداعی بکنند که بعضی انسان‌های نابلد را به اشتباه بیاندازند. توانایی چشم و گوش ما و حواس انسان‌ها بسیار بسیار محدود و ضعیف است؛ و برای تشخیص خیلی از موارد بسیار بسیار غیر قابل اعتماد است. چشم انسان به شدت ضعیف است در حدی که قربانی پدیده سراب می‌شود. یا یک شیشه تمیز را نمی‌تواند ببیند. پس هر خیال و ذهنیتی را نباید مرتبط با پدیده‌های ماورایی دانست. ^۳

^۱ - هانری کربن، تجسم خلاق در عرفان ابن عربی، ص: ۲۸۸

^۲ - جسم بدون عنصر فیزیکی یعنی موجودات حسی طبیعی. پس عالم خیال بین عقل و حس بین معنا و ماده قرار دارد. یعنی باید خیال، واسطه باشد تا ملکوت برزخ، صورت بدون ماده و مفهوم سایه روشن ظاهر شود. يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ. (دوم: ۷)

^۳ - همان: مثنوی ارواح

در لغت به معنی پندار و گمان از قوای ذهن آدمی. در کاربردی دیگر، شماری از مشایخ، سالکان را به پرورش قوهٔ خیال برای تجسم و همی کمالی، که در پی آن بوده‌اند، فرا می‌خوانده‌اند. سیر او را برای وصول به آن کمال تسریع و حتی تسهیل می‌کرد که عارف، با جمع همت، در پی پدیدآوردن آن بوده است. بدیهی است که پس از این پیدایش، آنچه در خیال عارف صورت می‌بسته، در عالم خارج وجود خارجی می‌پذیرفته است. محققان عالم خیال را با عالم مثال مترادف انگاشته‌اند.^۱

عرفا، به سلسله مراتب عوالم وجودی با اندک اختلافی اعتقاد داشته و همه‌ی آن‌ها به وجود عالم واسطه که همان عالم مثال (برزخ) باشد، معترف‌اند. ایشان «عالم خیال» را به «خیال متصل مقید» و «خیال منفصل مستقل» تقسیم کرده‌اند. «محبی الدین ابن عربی به‌عنوان پدر عرفان نظری پس از سهروردی به طراحی عالم خیال همت گماشت و اصول عرفان او بر حکمت متعالیه تأثیر فراوانی گذاشت.^۲

مولوی خیال را به دو دسته تقسیم می‌کند. خیالی که در مقابل امر واقع قرار دارد و مردم گرفتارش هستند و خیالی که اولیاء گرفتارش هستند و این امر واقع تنها پرتوی از آن است. خیال اولیاء تأثیر و انعکاس و پرتو زیبایی‌هایی است که در عالم لاهوت (به قول مولوی؛ در بستان خدا) تقرر دارند. درواقع اولیا وقتی با عالم لاهوت ارتباط پیدا می‌کنند، این عوالم به‌صورت خیالاتی در ذهنشان متصور می‌شود و این نوع خیال حاکی از عوالم ماورایی است و ربطی به خیالات عوام که -دل به موهومات بسته‌اند -ندارد:

دو بیت زیر از دفتر اول مثنوی در تفریق این دو نوع خیال آمده است:

بر خیالی جنگشان و صلحشان وز خیالی فخرشان و ننگشان
آن خیالاتی که دام اولیاست عکس مهرویان بستان خداست

^۱ - همان، مثنوی ارواح

^۲ - علی دین محمدی. چکیده مقاله عالم مثال (خیال) در عرفان اسلامی. فصلنامه عرفان اسلامی ش ۳۴

ضرورت عبور از عالم خیال (مثال)

علامه والد- فرمودند: آقا سید محمدصادق! بعضی دوستان که در طریق توحید قدم می‌گذارند، گاهی بیست یا سی سال است در این راه‌اند اما استفاده نمی‌برند و تکان نمی‌خورند (عالم مثال خودشان را طی نمی‌کنند، چه برسد به عالم مثال کلی سپس عالم عقل)... طلب خود را تقویت نکرده، موانع را از سر راه خود برنمی‌دارند و مراقبه ندارند... و سلوک را به مثابه دیگر امور، سرسری می‌گیرند.^۱

موانعی برای رسیدن به نهایت کمال یعنی لقاءالله وجود دارد که در فرهنگ سلوک به آن‌ها، حجاب می‌گویند. ((این حُجُب، صفات آدمی است، نورانی و ظلمانی، ... و جمله اخلاق ذمیمه...))^۲ حضور در عالم خیال ملکوتی یکی از مراتب و نشانه‌های رشد سالک است چون از عالم حس عبور کرده است و به لحاظ استعدادی موجود در انسان بر اینکه باید وارد عالم عقل جبروتی بشود، ماندن در خیال، تقصی برای انسان محسوب می‌شود لذا به روش‌هایی به مهارت عبور از خیال دست بیابد. این فرایند و مهارت را در اصطلاح سلوکی نفی خواطر و در فرهنگ علوم روحی به آن تخلیه ذهن یا رلیکس ذهنی می‌گویند.

"اولین مرتبه وظیفه دینی، رعایت خضوع و خشوع در نماز و مبارزه با تخیلات ذهنی و خیالات وارده بر ذهن است که وصول به این مهارت هم مطالبی دینی است و هم مشکل".^۳

"سکوت درونی چه بسا سخت‌تر از سکوت زبان است و مقدمه‌ای بر تمرکز عالی فاعل سکوت است. در روزه سکوت درهای ذهن به روی افکار وارداتی و متأثر از حوادث پیرامونی و اوهام و خیالات بسته‌شده و ذهن در این مرحله آماده دریافت امواج عقلی صادرشده از دنیاهای موازی درون و بیرونی می‌گردد".^۴

^۱ - حسینی طهرانی، سیدمحمدصادق، نور مجرد ج ۱ ص: ۵۵۱

^۲ - سطر دوم از صفحه ۸۶ لمعات (صفحه ۷۷ سطر اول لمعات چاپ سوم از انتشارات مولی در سال ۱۳۸۴ با ۲۷ لمعه)

^۳ - قوه خیال فضای دیدن فرشتگان و ارواح، مکاشفات، مشاهدات، معجزات و کرامات و حتی استفاده از قوه وهم و خیال توسط جادوگران، علوم غریبه و لیمیا و کیمیا و سیمیا است.

^۴ - حسن تهرانی، مثنوی ارواح @masnaviarvahIR

فضیلت سکوت

وقتی شروع به سکوت می‌کنی، ذهن دیوانه می‌شود. چون ذهن سکوت را دشمن خود می‌داند.

در هیاهوی درون و بیرون است که ذهن هویت پیدا می‌کند. غرغر می‌کند، ناامیدت می‌کند از هر توجیهی برای منصرف کردن استفاده می‌کند. ولی تو در سکوت اصرار داشته باش. زمانی مشخص را برای سکوت کردن اختصاص بده. سکوت، در برابر جنجال‌های بیرونی و هیاهوی درونی، اما در تمام‌روز آن را تمرین کن...

کلمات دارای انرژی فراوانی‌اند آن‌ها را بیهوده هدر نده. درجایی که نیاز نیست، سخن نگو بگذار تارهای صوتی‌ات استراحت کنند. تو و سکوت یکدیگر را جذب می‌کنید. در سکوت است که دیدنی‌ها را می‌بینی و شنیدنی‌ها را می‌شنوی آن‌ها لمس کن، احساس کن، آنگاه عشق تمام وجودت را پر خواهد کرد".^۱

نفی خواطر یک مهارت است نه دانش

اگر صد کتاب در موضوع شناگری خوانده شود بازهم نمی‌توان خود را روی آب نگه بداریم. روش روی آب نگه داشتن خود، یک مهارت است که در هیچ کتابی این مهارت قابل توضیح و انتقال به دیگری نیست. لذا بر اساس تجربیات افراد موفق در نفی خواطر و کنترل ذهن و قوه خیال می‌توان فقط از انواع تجربیات آگاه شویم. یعنی اینکه برای نفی خواطر و کنترل خیال و ممانعت از توهّمات باید زحمت، تلاش و تمرین کرد.

نتیجه نفی خواطر، رسیدن به نفس مطمئنه

یک ذهن خوب ذهنی است که:

- خالی از شرطی‌شدگی باشد - آرام و بدور از قضاوت به سر برد - تحت اشراف نور خرد عمل کند - برده احساسات و عواطف نباشد - ندانسته‌های بسیارش را در تصمیم‌گیری‌هایش لحاظ کند - در هر موقعی تسلیم راستی و درستی باشد - سکوت را بر کلام ترجیح دهد جز در مواقع ضرورت - با

^۱ - حسن تهرانی، مثنوی ارواح masnaviarvahIR@

منطق‌های مختلف آشنا باشد و هر کدام را در جای خود بکار بندد. دنیا زبان خود را دارد و آخرت زبان خود. هر علمی دارای منطق خویش است- با هر کس به قدر عقل و دریافتش سخن بگوید- اسیر دانستگی‌هایش نباشد- به‌گاه مراقبه کاملاً خالی از فکر و خیال باشد- به‌گاه هجوم احساسات، مهار اسب عواطف را بدست گیرد- به امری که ربطی به او ندارد دخالت نکند و در زندگی دیگران تجسس ننماید- همواره پاک و شفاف همچون حیابی بر چراغ روح خود باشد- گیرندگی از روح خرد و دهندگی به جهان بی‌خرد را بی‌منت و بی‌منتیت وظیفه اصلی خود بداند.^۱

اهمیت نفی خواطر به مفهوم سکوت ذهن، موضوعی است که آیت‌الله سیدعلی قاضی به رفقا و شاگردان سلوکی خود، توصیه مؤکد می‌نمود و در جلسات خصوصی خود، ابتدا بیست تا سی دقیقه سکوت نموده و سپس مطالب خود را بیان می‌کرد.^۲

حجاب‌هایت یا خلقی است یا خلقی!

قبلاً در بخش اول ساغر شیدایی در شرح لمعه چهارم بیان شد که حجاب‌های ظلمانی عبارت‌اند: خلقی و تکوینی که از شرایط و قوانین و طبیعت عالم خلقت و تکوین به‌صرف مخلوق بودنش، قیافه و وجود مادی و عنصری‌اش، حجابی است برای شهود صفات و ذات حق تعالی است. خلقی یا اخلاقی هستند. این حجاب‌ها نیز اظلم و تاریک‌ترینشان شئون و تظاهرات، حظوظ و خواهش‌های نامشروع و غیرعادلانه نفس در شکل اماره‌اش اضافه کن که حرص و سبّیت و حیوانی‌اش را که موجب صفات رذیله و مذموم در انسان شده و گناه و جرم و سیئه را افزایش می‌دهد. حتی از نوع ترک اوّلایش نیز. جهل و توهم و گمان و پندارهای آلوده و باطل.^۳

«معنای اعتباری بودن اشیاء پوچ و بدون معنی بودن نیست»

و بنابراین همان‌طور که ما نمی‌توانیم افعال خود را هیچ، و عدم و پوچ بدانیم؛ عالم وجود و اشیاء خارجی را نمی‌توانیم پوچ و خیال و وهم بدانیم. و این که می‌گوییم:

^۱ - masoud_riaei.books@

^۲ - و این روش سلوکی سید هاشم حداد، علامه طهرانی، آیت الله کمیلی و سایر شاگردان سلوکی او نیز می‌باشد.

^۳ - حکیمان، ساغر شیدایی، ص ۲۰۰ و ۲۰۱

عالم صور خیال هستند، معنایش پوچ و بی‌ارزاء بودن آنها نیست، بلکه معنایش عدم استقلال آنهاست، که قائم‌اند به صور علمیه حق تعالی قیاماً صدوراً.

و این حقیقت همان معنای قیومیت و منشأیت و مصدریت و صمدیت اوست برای موجودات و اشیا خارجی و این نکته بسیار مهم است. همان‌طور که افعال صادره از ما دروغ و وهم محض نیست، بلکه آنها به صور علمیه قائمه به نفس ما موجود هستند، همین‌طور موجودات و اشیا خارجی تمام صحیح و درست و به‌جای خود بوده؛ غایه الامر مطلب در این است که:

چگونه افعال ما ظهوری از نفوس ما هستند؛ و شعاعی از نور وجودی ما و اصالت و صمدیت و مصدریت با ماست. به همان‌گونه موجودات خارجی شعاع و تالو نور وجود، و ظهور فعلی حضرت حق می‌باشند.^۱

معنای تمثیل و ظهور حقایق غیرمادی

تمثیل به معنای مثل و همانند چیزی در آمدن است بی‌آنکه ماهیت اصلی خود را از دست دهد. به این معنا که چیزی شکل و صورت دیگری را می‌گیرد و خود را همانند آن درمی‌آورد؛ چنان‌که تجسم به معنای آن است که چیزی که مجرد است جسمی را قبول کند و خود را به شکل موجودی دارای جسم نشان دهد.

در آیات قرآنی از تمثیل یک‌بار در آیه ۱۷ سوره مریم استفاده شده است. بالاین‌همه به سبب آن که مباحث مربوط و یا مرتبط با آن، نقش اساسی را در زندگی انسان دارد و در سیر نزول و صعود بشر از خدا به خدا، انسان با عوالم مثال متصل و منفصل مواجه است و عالم برزخ یک عالم مثال منفصلی برای آدمی است که گذر از آن برای همگان طبیعی است و یا مسئله خواب و رؤیا و مباحث آن زندگی بشر را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهد، پرداختن به تمامی ابعاد موضوع امری بسیار مهم و اساسی است.

^۱ - صفحه ۲۵۵ و ۲۵۶ کتاب توحید علمی و عینی علامه حسینی طهرانی

حقیقت تمثیل و عوالم مثال متصل و منفصل

به مفهوم تداخل نفس عالی در یک نفس پائین؛ مانند پیوند زدن و حضور نفس میوه عالی در میوه نامرغوب.

و اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مَرْیَمَ ... فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَاباً فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا.^۱
در قرآن از مریم یاد کن... پس برای خود حجابی از قوم خویش برگرفت پس ما به سویش روح خودمان را فرستادیم. پس آن روح برایش به شکل بشری معتدل و مستوی تمثیل یافت.
در آیه به صراحت از تمثیل روح سخن به میان آمده است. مفسران و اهل فرهنگ قرآنی گفته‌اند، تمثیل به معنای مثل چیزی گردیدن و به صورت و شکل آن درآمدن است.^۲

هم‌چنین مفسران، مقصود از «روحنا» را جبرئیل دانسته‌اند، (مجمع‌البیان، ج ۵-۶، ص ۷۸۳) هرچند که برخی گفته‌اند مقصود از «روحنا»، روح‌الامین دانسته و آن را غیر جبرئیل معرفی می‌کنند.^۳
ولی هیچ‌یک در این نکته شک نمی‌کند که یک موجود مجرد یعنی «روحنا» تمثیل یافته و شکل و صورتی مثالی چون شکل و صورت بشری معتدل و مستوی در کمال زیبایی و اعتدال درآمده‌است. البته تمثیل یافتن به معنای تجسد یافتن نیست؛ زیرا ممکن است که در تمثیل تجسمی هم باشد؛ ولی تجسد نیست؛ به این معنا که جسد و کالبدی از بشر به تن نکرده است؛ بلکه تنها شکل و صورت مثالی انسان را داشت.

برخی میان تجسم و تجسد فرقی نمی‌گذارند؛ درحالی که جسم اعم از جسد است؛ زیرا جسم در کاربردهای عربی به هر چیزی گفته می‌شود که دارای ابعاد و روح باشد؛ درحالی که جسد به فاقد روح اطلاق می‌شود. از این روست که تا انسان زنده و دارای روح است او را جسم می‌گویند ولی پس از مرگ، آن کالبد فاقد روح را جسد می‌نامند. البته تفاوت‌های دیگری میان جسد و جسم است که در این مجال بدان‌ها اشاره نمی‌شود؛ زیرا ما را از اصل بحث و مطلب دور می‌کند.

^۱ - مریم: ۱۶ و ۱۷

^۲ - (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۷۵۸، «مثل»)

^۳ - (بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۵؛ ج ۱۴، ص ۲۱۵)

چشم خیال و چشم حسّ هر دو کارشان بینائی است و تمییز بین ادراک این دو چشم، معرفتی لطیف است... در هستی، چیزی پیچیده‌تر از مشتبه شدن خیال به حسّ نیست... خدا باید شخص قوه تفصیل عطا کند هرگاه اموری ببیند برایش روشن می‌نماید که با کدام چشم، آن‌ها را دیده است... سپس خودش به ماهیت آن‌ها پی می‌برد. ضروری‌ترین علم برای اهل الله همین علم است... همه نمی‌توانند بین این اجساد خیالی با اجسام حقیقی فرق بگذارند. این علائم از افراد بی‌صلاحیت، جلوگیری شده و به اشخاص کامل عطا می‌شود که کاملاً از عالم طبیعت، مجرد گشته و به جرگه ملائکه پیوسته‌اند.

این عطای الهی، یک علامت است که نقش اساسی در بازشناسی ماهیت تمثالات تخیلی را به عهده دارد. بدون آن علامت مردم حتی نمی‌توانند بین ظهورات خیالی ارواح و ظهورات دیگر مانند ملائکه، اجنه و انسان‌ها- از ابدال- تمییز دهند... مادام که خدا، این علامت را بر سالکان، آشکار نسازد، آنان همواره ممکن است از تجارب شهودی خویش، فریب بخورند. این امر نه تنها برای مبتدیان سلوک بلکه حتی برای متبحران پیشرفته نیز رخ می‌دهد.^۱

توهم یا پندار

شکل تضعیفی از علم و ادراک است مربوط به عالم خیال که آن عالم نیز، از مقوله عالم مثال است در نتیجه، هرگونه فهم و ادراک و ذهنیت، نوعی از وجود است و برخی از آن‌ها، اعتبار و دوام و اصلتشان، زایل شدنی زودگذر بوده و به عبارتی، موهومی است و چون مطابق با حقیقت و ربط با وجود باقی، نیست، دوام و بقا نمی‌یابد.

اما جایگاه و انواع پندار و توهم:

توهم یا پندار، شکل تضعیفی از علم و ادراک است مربوط به عالم خیال که آن عالم نیز، از مقوله عالم مثال است در نتیجه، هرگونه فهم و ادراک و ذهنیت، نوعی از وجود است و برخی از آن‌ها، اعتبار و دوام و اصلتشان، زایل شدنی زودگذر بوده و به عبارتی، موهومی است و چون مطابق با حقیقت و ربط با وجود باقی، نیست، دوام و بقا نمی‌یابد.

^۱ - ویلیام چیتیک، عوالم خیال، ص ۱۳۷ - دو سطر ۱۳۹

در حدیثی نورانی از امام صادق (علیه السلام) در معرفی جنود عقل و جنود جهل، یکی از مخلوقات خداوند که همراه با عقل کل بوده، و هم کل می باشد که مبدأ جهل و تاریکی است و از اینکه و هم از بازگشت و اقبال به مبدأ خود، سرباز زد، لذا امکان بقاء بعد از فنا پیدا نمی کند و در آغاز نزولی اش از ملکوت سفلی برای اكمال ممکنات الوجود ضروری بوده ولی بازگشت صعودی اش نیز تا ملکوت سفلی خواهد بود و قادر به کسب نورالباقی نخواهد بود نمی تواند در مراتب بالا فانی شود چون، حضورش در جهنم است و در تاریکی کامل می باشد. یعنی از ملکوت سفلی، ایجادشده و بازگشت گاهش نیز تا ملکوت سفلی است و مجال کمال و بقاء در عوالم بالا، پیدا نمی کند به خاطر سنخیت با تاریکی و به علت خباثت در ذات و به دور از طهارت و قدسیت.

آیه «و يجعل الرجس على الذين لا يعقلون... آیه ۱۰۰ سوره یونس» عدم سنخیت طهارت با وهم، و رجس با عقل بیان شده است. بیانگر، درخودفروخوردن موجودات هم جنس وهم سنخ از جن و انس با شرایط عالم وهم می باشد.^۱

آیه ولا يحق المكر السيئ الا باهله. که تحقق فعلی پندارها در افرادی که سنخیت با آن ها دارد، انجام می شود و اگر مخلصین، خودشان را از این مرحله برهانند، دیگر مورد کمند و شکار ابالیس جنی و انسی قرار نمی گیرند.

با این توضیحات، انواع توهم و خیال و پندار به شرح زیراست که توجه به آن ها و احکامشان، راهگشای خروج از ملکوت سفلی و علیا، ورود به جبروت و عبور از آن، مفید و مؤثر خواهد بود. **الف** - توهم بر موجوداتی که در عالم عین، وجود خارجی و حقیقی ندارند و از امور عدمی است و این نوع توهم موجب ظلمت و تاریکی خواهد بود. مانند توهم وجود شریک برای باری تعالی - پندار وجود خالق جداگانه برای زلزله، آتش فشان، ظلمت، مار و عقرب، شرورات افعال انسانی و طبیعت بنام اهریمن - توهم بر اینکه، فرشتگان، دختران خدا هستند^۲

توهم بر اینکه خدائی به غیر از طبیعت ماده وجود ندارد^۳ - توهم خلیفه رسول الله بودن برای غیر معصومین - توهم استقلال دادن به اراده و قدرت و اندیشه و افعال در اعمال.

^۱ - حکیمان، ساغر شیدایی، صص: ۱۵۶ تا ۱۵۹

^۲ - فاطر: ۴۳

^۳ - آیه ۲۷ و ۲۸ سوره نجم

^۴ - وما يهكنا الا الدهر و ما لهم بذلك من علم ان هم الا يظنون - آیه ۲۴ سوره جاثیه